

اڪلومي  
اسلامي  
ايراني

## نقش آموزه‌ها و نهادهای دینی در مدیریت جامع آبخیزها و ارائه راهکارها

محمد محمدلو<sup>۱</sup>، امیر سعدالدین\*<sup>۲</sup>، حسین محمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

به منظور تحقق امنیت در حوزه‌های آب و غذا و برون رفت از چالش‌های موجود و پیش روی در زمینه حفاظت محیط زیست، امروزه اندیشمندان رویکرد مدیریت جامع آبخیزها را اثربخش و سودمند پیشنهاد می‌نمایند. ادراک واقعی و درست از مدیریت جامع آبخیزها مستلزم داشتن یک نگاه سیستمی بوده و در گرو شناخت و دخالت دادن تمامی ذینفعان در فرایند تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. این امر، به نوبه خود موجب جلب مشارکت مردمی در اجرای سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های مدیریت منابع طبیعی می‌شود. این مقاله بر نقش فرهنگ و آموزه‌های دینی در تحقق مدیریت جامع و مشارکتی آبخیزها و ارتباط این آموزه‌ها با موفقیت طرح‌های مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست تاکید دارد و در آن سعی شده است با آسیب‌شناسی فاصله موجود بین آموزه‌های دینی در مفاهیم نظری تا اجرایی شدن برنامه‌ها، به منظور تحقق عملی این آموزه‌ها راه‌حلی ارائه شود. نتایج نشان می‌دهد که ظرفیت بالایی برای جلب مشارکت جوامع محلی با تکیه بر آموزه‌ها و نهادهای فرهنگی و دینی وجود دارد که بایستی به طور جدی مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در حوزه مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست ایران قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** آموزه‌های دینی، مدیریت جامع آبخیزها، مشارکت مردمی، مدیریت منابع طبیعی، حفاظت محیط زیست.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم و مهندسی آبخیزداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول: دانشیار گروه آبخیزداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران  
amir.sadoddin@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست به معنای عدم بهره‌برداری یا حتی کمتر استفاده کردن از امکانات طبیعت نیست، بلکه مراد استفاده بهینه و خردمندانه از طبیعت است. چرا که گاهی خودداری از بهره‌برداری از منابع طبیعی، ممکن است باعث تخریب و هدر رفتن منابع شود. جهت نیل به اهداف مدیریت منابع طبیعی و برون رفت از چالش‌های موجود پیش روی، امروزه دانشمندان راهکار مدیریت جامع آبخیزها<sup>۱</sup> را پیشنهاد می‌نمایند. مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز یکی از حساس‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین اشکال مدیریت منابع و تولید است (شمسایی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲). برای تضمین موفقیت برنامه‌های مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز، منافع مردم و آبخیزنشینان باید به‌درستی شناخته شده و مورد توجه قرار گیرند. توسعه پایدار مبحثی کلیدی در مدیریت پایدار سرزمین است، به طوری که توسعه اقتصادی بدون در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی و زیست محیطی، معیشت پایدار در حوزه‌های آبخیز کشور را با خطر مواجه کرده است. طی چند دهه اخیر با رشد سریع جمعیت کشور، نیاز به تامین مواد غذایی به طور فزاینده احساس می‌شود. از طرفی شتاب دستگاه‌های اجرایی برای تامین اهداف سازمانی و منافع اقتصادی کوتاه مدت و همچنین اجرای سیاست‌های بخشی نگر، فشار بر انواع منابع طبیعی تجدیدشونده را به حدی زیاد کرده که از ظرفیت تحمل آن‌ها فراتر رفته و زمینه سیر قهقرایی آن‌ها را بوجود آورده است (مصفايي و طالبی، ۱۳۹۳: ۱۰). مدیریت آبخیز باید تمام جنبه‌های منابع آبخیز (منابع طبیعی، انسانی و سیاستی، علم و فناوری) و مشکلات آبخیز (کمبود آب، مخاطرات طبیعی، کاهش تنوع زیستی، فرسایش خاک، رسوب-گذاری، تخریب سرزمین و فقر) و همچنین سازمان‌های متعدد درگیر و جوامع محلی را مد نظر قرار دهد (هیثکت، ۲۰۰۹: یانگ و همکاران، ۲۰۰۶). حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب و خاک در ایران قدمت زیادی دارد به طوری که قنوات و آب انبارها و سدهای تاریخی شاهدی بر این امر هستند. مرور منابع نشان می‌دهد که تاکنون با وجود تشکیلات دولتی تحت عنوان حفاظت آب و خاک و آبخیزداری در وزارت جهاد کشاورزی و منابع طبیعی از سال

<sup>۱</sup> Integrated Watershed Management (IWM)

۱۳۲۸، فعالیت‌ها بیشتر معطوف به اهداف حفاظت خاک و کنترل سیلاب بوده و توجه چندانی به مقوله مدیریت حوضه نشده است (مصفايي و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۸۴). طرح مدیریت پایدار منابع آب و خاک بر اساس برنامه مشترک جمهوری اسلامی ایران و برنامه توسعه ملل متحد از سال ۱۳۷۶ در حوزه آبخیز حبله‌رود بعنوان منطقه نمونه آغاز شده است و هدف اصلی آن دستیابی به الگوهای مناسب برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرا، بهره‌برداری و پایش و ارزش‌یابی منابع آب و خاک و تعمیم و توسعه نتایج حاصله به برنامه ملی حفاظت منابع طبیعی از طریق مشارکت مردم روستایی در مدیریت حوضه‌های آبخیز کشور بوده است. همچنین پروژه بین-المللی منارید در چارچوب برنامه توسعه پایدار کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا اجرا می‌شود. این پروژه از شهریور سال ۱۳۹۰ آغاز شده و هدف نهایی آن توسعه مدیریت جامع منابع طبیعی با در نظر گرفتن تامین معیشت جوامع محلی است. طرح کلان ملی مدیریت جامع حوضه‌های آبخیز کشور نیز از سال ۱۳۹۳ با هدف تدوین اسناد راهبردی و برنامه‌ای شامل ابزارهای مدیریتی در حوزه رودخانه‌های کشور برای نیل به توسعه پایدار، بهبود معیشت و کاهش مخاطرات محیطی آغاز شده است. برنامه الگوی مدیریت جامع آبخیزها در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور با رویکرد توانمندسازی جوامع محلی در ۳۳ آبخیز پایلوت در استان‌های کشور از سال ۱۳۹۳ به اجرا درآمده است. با این حال بررسی سیر تاریخی فعالیت‌های آبخیزداری در ایران بیانگر این است که با وجود پیشرفت‌های حاصله در سال‌های اخیر، الگوی مدیریت جامع و نقش جوامع محلی بعنوان ذینفعان اصلی و جایگاه آموزه‌ها و نهادهای دینی و فرهنگی و استفاده از این نهادها در مدیریت منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست کم‌تر عملی شده و نادیده گرفته شده است. درک واقعی و درست از مدیریت حوضه‌های آبخیز و حفظ محیط زیست در گرو شناخت ذینفعان متعدد در داخل حوضه‌ها می‌باشد. این امر باعث تقویت روابط نهادهای فرابخشی و بین بخشی خواهد شد. این نوع نگاه و درک از آبخیزداری و محیط زیست در سرتاسر جهان به منصفه ظهور رسیده است. دولت به تنهایی با توجه به مشکلات مالی، اداری و ساختاری که دارد قادر به حفظ و حراست از منابع آب و خاک کشور نمی‌باشد، بنابراین توانمندسازی مردم، شناسایی راه‌های جلب مشارکت پایدار بهره‌برداران و واگذاری حفاظت از آب و خاک و آبخیزها و محیط زیست، ضروری می‌باشد.

در این بین چگونگی ارتباط با بهره‌برداران و انتقال یافته‌های جدید علمی حفاظت منابع طبیعی و محیط زیست حائز اهمیت فراوان است و همچنین ایجاد نظام مدیریتی که ضمن حفاظت از منابع، از نظر زیست محیطی سازگار و دارای پویایی اقتصادی و ایجاد زمینه مناسب برای ثبات جامعه روستایی را فراهم سازد، ضروری می‌باشد (داودی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۷). نهادهای دینی و دین‌داران با توجه به قدرت اقناعی خود، نظام عقیدتی را در جامعه تعمیق و تحکیم نمایند به گونه‌ای که نخبگان ارتباطی را می‌توان تولیدکنندگان ایدئولوژی مسلط دانست (لال، ۲۰۰۰: ۲۸۷). در واقع این نهادهای می‌توانند با مفهوم‌سازی و درک پویایی فرهنگ با توجه به رابطه آن با طبیعت و جامعه، منجر به توسعه ادراکات اجتماعی و درک فرآیند شناختی اطلاعات شوند. از آنجایی که مسائل مربوط به منابع طبیعی و محیط زیست با زندگی انسان‌ها آمیخته شده است، توفیق هر نوع برنامه‌ریزی نیازمند مشارکت این جوامع خواهد بود. مردم و اجتماع بدنه اصلی و بطن توسعه پایدار همه جانبه و فراگیر را تشکیل می‌دهند و نه تنها مفهوم کمی مردم و اجتماع باید در نظر گرفته شود، بلکه تمامی داشته‌ها و دستاوردهای این مردم نیز باید مورد توجه قرار گیرد. چرا که مردم در ارتباط متقابل خود با منابع طبیعی و محیط زیست به مجموعه‌ای از تجارب و سازگاری‌ها دست یافته‌اند که این تجارب می‌تواند در قالب‌های مختلفی در جامعه نمود پیدا کند (جمعه پور، ۱۳۸۲: ۱۰۳-۱۳۰). اعتقاد بر این است که با مشارکت مردم در مدیریت آبخیزها، مهارت‌های فنی و تحلیلی بهره‌برداران بهبود یافته و این امر می‌تواند موجب تقویت سرمایه انسانی و اجتماعی شود (راونبورگ و همکاران، ۲۰۰۱: ۵۱۰). بنابراین نقش مردم در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی هر برنامه اجرایی و حفاظتی ارزش حیاتی دارد و باید در نظر گرفته شود (جینگ لینگ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۷۵۷). همان‌طور که اشاره شد استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی و دینی جهت نیل به اهداف مدیریت جامع آبخیزها و رسیدن به توسعه پایدار در عمل کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیازمند شناخت دقیق و ارائه راهکارهای عملی در این زمینه است. از طرف دیگر در سال‌های اخیر عنایت ویژه مسئولین رده بالای کشور به اجرای طرح‌های آبخیزداری و آبخوان-داری، مقوله مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز را چندین برابر اهمیت بخشیده است. اجرایی شدن صحیح این مقوله منجر به تحقق توسعه پایدار و موجب رشد و تعالی و پیشرفت کشور

در راستای الگوی اسلامی- ایرانی خواهد شد. در واقع یکی از مولفه‌های الگوی مورد اشاره توجه خاص به مقوله‌های کلیدی امنیت آب و غذا و امنیت زیستی است که از اهداف اصلی مدیریت جامع آبخیزها محسوب می‌شود و راهکارهای ارائه شده در این مقاله با تاکید بر ظرفیت آموزه‌ها و نهادهای دینی موجبات تحقق این امر را فراهم می‌کند.

## ۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف از این پژوهش بررسی راهکارهای استفاده از آموزه‌های دینی و فرهنگی در مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز و حفظ محیط زیست می‌باشد تا با شناخت این آموزه‌ها و جایگاه دین و آموزه‌های اخلاقی و دینی، آسیب شناسی‌های لازم صورت پذیرفته و راهکارهایی عملی جهت تحقق این هدف ارائه شود. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند جهت نیل به توسعه پایدار و مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز کشور بعنوان واحد اصلی مدیریت پایدار سرزمین مورد استفاده قرار گیرد. این مطالعه سعی می‌نماید که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- نقش و جایگاه آموزه‌های دینی (ادیان ابراهیمی) به خصوص دین اسلام از منظر قرآن، احادیث و روایات و دیدگاه‌های حقوقی و فقهی در حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست چگونه است؟
- ۲- فاصله بین آموزه‌های متعالی دینی و فرهنگی در نظریه‌پردازی تا برنامه‌های اجرایی و دستاوردهای عملی در مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست چیست؟
- ۳- راهکارهای عملی برای استفاده از این آموزه‌های اخلاقی و دینی چه می‌تواند باشد؟

## ۳. پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های زیادی درباره نقش و جایگاه آموزه‌های دینی در حفظ محیط زیست انجام شده است از جمله این مطالعات به برخی موارد زیر می‌توان اشاره کرد. اکبری‌راد در پژوهشی نقش تعالیم اسلام در کاهش بحران‌های زیست‌محیطی را مورد مطالعه قرار داده و عامل بسیاری از بحران‌های زیست محیطی کنونی را انسان معرفی می‌نماید که بواسطه طمعی که دارد جایگاه خلیفه خدا بودن خود در زمین را فراموش نموده است ( اکبری‌راد، ۱۳۹۲):

۷۴). نبوی و شهریاری نقش اخلاق و دین را در حفاظت از محیط زیست مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاصل از پرسش‌نامه نشان داد که رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای احساس مسئولیت، اخلاق محیط‌زیستی و احیای ارزش‌های دینی و متغیر حفظ محیط زیست وجود دارد (نبوی و شهریاری، ۹۳: ۸۲). از جمله سایر مطالعات انجام گرفته در سال‌های اخیر در رابطه با دیدگاه دین و حفظ محیط زیست و منابع طبیعی می‌توان به مطالعات بیری (بیری، ۱۳۸۵: ۱۴۱-۱۵۳)، فهیمی و مشهدی (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۰۱)، محقق داماد و غیره اشاره کرد. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های قبلی در این است که علاوه بر تشریح جایگاه مشارکت مردمی در مدیریت جامع آبخیزها و حفاظت محیط زیست، دیدگاه ادیان ابراهیمی شامل یهودیت، مسیحیت و نیز دیدگاه دین اسلام از منظر آیات، احادیث و روایات و همچنین از نظر حقوقی و فقهی را مورد بررسی قرار می‌دهد. از طرفی دیگر تمرکز تحقیق حاضر بر روی مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز بعنوان یک رویکرد شناخته شده جهت نیل به سوی توسعه پایدار است. در صورتی که در مطالعات قبلی غالباً به مفهوم محیط زیست به صورت کلی پرداخته شده است. در نهایت مقاله حاضر فاصله بین آموزه‌های متعالی دینی و فرهنگی در نظریه‌پردازی تا برنامه‌های اجرایی و دستاوردهای عملی در مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست را تشریح نموده و به ارائه راهکارهای عملی در این زمینه می‌پردازد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۴. بررسی مفاهیم پژوهش

##### ۴-۱. مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز

آبخیزها از طریق تعادل‌بخشی چرخه آب و چرخه مواد موجب فراهم‌کردن آب با کیفیت مناسب، تنظیم رواناب و دبی جریان در آبراهه‌ها و بهبود وضعیت کمی و کیفی آبخوان‌ها می‌شوند. همچنین آبخیزها با دربرداشتن اراضی زراعی حاصل‌خیز، منابع جنگلی و مرتعی و در نتیجه ایجاد بستری برای تداوم بقاء انواع زیست بوم‌های خشکی‌زی، حاشیه آبی و آبی در اکولوژی سیاره ما نقش کلیدی را به عهده دارند (سعدالدین و همکاران، ۱۳۹۶: ۱).

نقش آموزه‌ها و نهادهای دینی در مدیریت جامع آبخیزها و ارائه راهکارها

در واقع آبخیزها، واحد جغرافیایی مناسبی برای ایجاد پیوندهای اکولوژی و انسانی به طور معنی دار هستند. با توجه به اینکه فعالیت‌های انجام شده توسط سازمان‌ها و ذینفعان مختلف در عرصه آبخیزها اغلب حتی در بهترین شرایط ناهماهنگ هستند و حتی در بعضی شرایط در رقابت و یا تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند، مدیریت جامع آبخیزها در واقع سازوکاری را فراهم می‌کند تا بین واحدهای متعدد و متفرق سازمانی و سیاسی و علایق مشترک و ارزش‌های جوامع بالادست و پایین دست حوزه آبخیز ارتباط ایجاد شود. مدیریت جامع آبخیزها با رویکردی سیستمی و مشارکتی به دنبال تنظیم روابط و فرآیندهای حاکم در زیست بوم‌های مختلف در عرصه آبخیزها می‌باشد تا ضمن حفاظت از منابع زیستی بتوان نیازهای جوامع انسانی را در افق بلندمدت تضمین و تأمین نمود. شناخت، حفظ و توسعه انواع خدمات آبخیزها (فراهمی - تنظیمی - حمایتی - فرهنگی و زیبایی منظر) از طریق ارزیابی و مدیریت جامع آبخیزها می‌تواند ضامن تحقق توسعه پایدار و ارتقاء سلامت و رفاه جوامع انسانی باشد (سعدالدین و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹).

#### ۲-۴. مشارکت مردمی و جایگاه آن

مشارکت در جامعه محلی یعنی فرایند به کارگیری توانمندی‌های فردی یا گروهی ذینفعان برای دستیابی به یک هدف گروهی (نوری نشاط، ۱۳۸۸). در این فرایند، رفتار آگاهانه، خواست جمعی، پذیرش جمعی، انتخاب و وجود نیازهای مشترک اهمیت دارند. آنچه در یک فرایند مشارکت موفق مهم است احساس نیاز برای حل یک مشکل، شناخت آن مشکل و احساس نیاز به همکاری گروهی با توجه به میزان دانش و توانمندی افراد و شناخت آنان از توانایی‌ها و امکانات موجود و حداکثر استفاده از آنها است. امروزه مشارکت مردمی بتدریج جایگاه خود را در بین سازمانها و ارگانهای دولتی مسئول در کلیه زمینه‌ها بدست می‌آورد. راه-کارهای مشارکتی در برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و ارزیابی پروژه‌های مختلف بعنوان راهکارهایی مطمئن و کارآمد مدنظر قرار گرفته و بکار گرفته می‌شوند. آنچه که در بین تمامی اشکال مشارکت از قبیل مشارکت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی، فرهنگی و غیره



بعنوان وجه مشترک مطرح است علاوه بر هدفمندی و همگرایی فعالیت‌ها، وجود نوعی آگاهی و شناخت نسبت به موضوع مورد مشارکت است. یعنی اینکه افراد مشارکت‌کننده لزوماً می‌دانند که برای چه گرد هم آمده و بدنبال نیل به کدامین هدف هستند. اساسی‌ترین عناصر در مباحث مشارکتی که راه را برای ورود سرفصلهای دیگری در بحث مشارکت باز می‌کند، عبارتند از:

- احساس نیاز و ضرورت: گروهی که قصد مشارکت در امری را دارد بدون تردید، نیاز و احتیاج خود و جامعه‌اش را به امر مذکور احساس کرده و با مشارکت خود درصدد رفع نیاز و کمبود خود خواهند بود. بدون احساس نیاز و ضرورت جوامع، امید به مشارکت مردم خیالی خام و بیهوده است.
- اراده و خواست مردم: اقدام به انجام هر نوع کار جمعی که افراد بدون میل و اراده خود آن را انجام می‌دهند و اجبار در پشت آن نهفته است حداکثر می‌تواند به عنوان بیگاری مطرح شود، هر چند که دارای وجوهی از مشارکت همچون هدفمندی و همگرایی باشد.
- انتخابی بودن: یکی از مهمترین عناصر در بازشناسی رفتارهای مشارکت‌جویانه، بحث انتخابی بودن رفتار می‌باشد. رفتار عملی مشارکت‌جویانه است که بر اساس انتخاب افراد از بین گزینه‌های مختلف پیشنهادی صورت گرفته باشد. ارائه یک راه‌حل واحد و توقع مشارکت مردم در اجرای این راه‌حل منحصر بفرد را نمی‌توان امری مشارکت‌جویانه نامید. در صورت ارائه گزینه‌های مختلف و انتخاب گزینه مورد نظر توسط افراد، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی نیز به نحوی مناسب نهادینه خواهد شد. با توجه به مسائل مطرح شده چنین می‌توان گفت که مشارکت فرایندی است فعال، آگاه، آزاد و مسئول. هرگاه مشارکتی با چنین عناصر و فاکتورهایی همراه باشد، می‌توان به آن مشارکت مردمی<sup>۱</sup> اطلاق کرد. در واقع نتیجه فعالیت‌های توانمندسازی محلی، باید اقدام محلی برای رفع نیازهای محلی باشد (نوری نشاط، ۱۳۸۸).

<sup>2</sup> Public participation

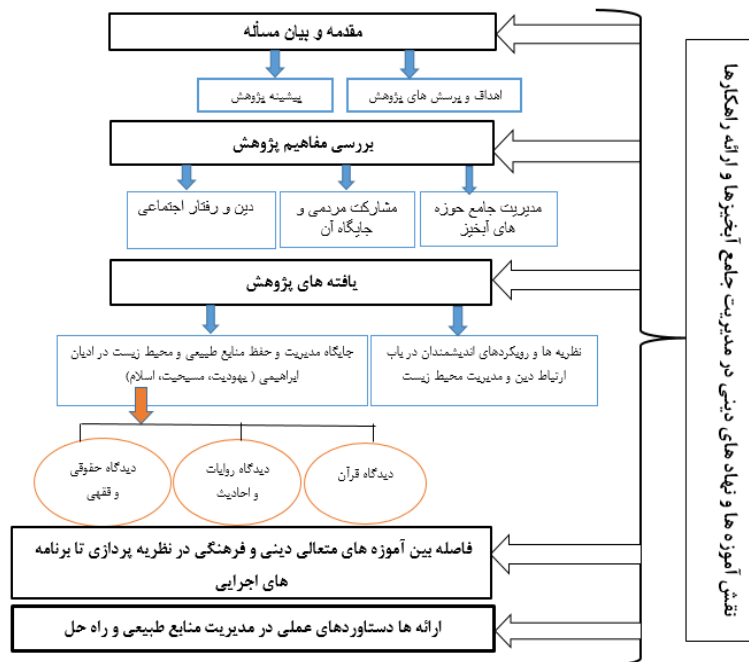
### ۳-۴. دین و رفتار اجتماعی

دینداری با ایجاد گرایش‌ها و رفتارهای همسو در بین پیروان دینی، موجب تقویت تعاملات اجتماعی و مشارکت مردمی می‌شود. از طرفی دیگر، دین به صورت ذاتی ماهیتی اجتماعی دارد و افراد را به مشارکت ترغیب می‌کند ( اندرسون و ملور، ۲۰۰۹: ۵۸). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که دینداری عامل تقویت رفتار اجتماعی مبتنی بر مشارکت است. با در نظر گرفتن این موارد، هر دینی یک واقعیت برجسته و بسیار مهم است و می‌تواند تاثیر مهمی در جهان بینی، ارزشها، نگرش، انگیزه، تصمیم‌گیری و رفتار افراد، گروه‌ها و جوامع برای بهتر یا بدتر شدن داشته باشد. دین با تقویت یکپارچگی فرد و جامعه، درونی کردن ارزش‌های اخلاقی زندگی اجتماعی، و تقویت الزامات اخلاقی درونی شده، به برقراری نظم و ثبات اجتماعی کمک می‌کند ( تیتل و ولچ، ۱۹۸۳: ۶۵۳-۶۸۰). از طرف دیگر، ارزش‌های موجود در هر جامعه بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند و به عنوان معیاری برای ارزیابی رفتار دیگران عمل می‌کنند. با این توصیفات می‌توان نتیجه گرفت که ارزش‌ها، دیدگاه‌ها، تصمیم‌گیری و رفتار مردم نسبت به منابع طبیعی و محیط زیست می‌تواند از طریق نفوذ قدرت دینی تغییر یابد. با این حال استفاده از تمام ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی و دینی جهت نیل به این هدف ضروری می‌باشد تا برنامه‌ها و چشم اندازهای مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز و حفظ محیط زیست بتواند با موفقیت توأم شود.

### ۵. روش پژوهش

روش پژوهش به کار رفته در پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی است. منابع اصلی تحقیق شامل قرآن کریم، کتب مقدس، روایات پیشوایان دینی و کتب فقهی و حقوقی است. مطالبی که در مورد محیط زیست و مدیریت حوزه‌های آبخیز در منابع دینی وجود دارد مورد شناسایی قرار می‌گیرد. همچنین از منابع روایی اسلامی و تفاسیر قرآن اعم از کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، نرم‌افزارها و سایت‌های مرتبط، مطالب و مسائل مورد نظر استخراج و واژگان تخصصی تعریف، تبیین و مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. سپس از طریق

جمع‌آوری داده‌ها سعی شده است با رهیافت منطقی به تحلیل گزاره‌ای، مفهومی و سیستمی پرداخته شود و راهکارهای دینی در جهت نهادینه کردن اخلاق و فرهنگ محیط زیستی استخراج شود. در نهایت آسیب شناسی مربوط به عدم بکارگیری این آموزه‌ها صورت می‌پذیرد و راهکارهایی عملی برای آن ارائه می‌شود. در شکل ۱ مراحل انجام این مطالعه آورده شده است.



شکل ۱: نمودار جریان‌ی فرایند پژوهش

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۶-۱. نظریه‌ها و رویکردهای اندیشمندان در باب ارتباط دین و مدیریت محیط زیست

پیامد انسان‌گرایی معاصر، عدم پذیرش مسئولیتی است که انسان نسبت به حفظ ارزش‌های ذاتی طبیعت دارد. در این مورد می‌توان به نظریاتی اشاره کرد که اصولاً ریشه انسان محوری را

نقش آموزه‌ها و نهادهای دینی در مدیریت جامع آبخیزها و ارائه راهکارها

در دین می‌دانند و بنابراین معتقدند که این دین است که با تعالیم خود نه تنها بر دوگانگی انسان و طبیعت پافشاری می‌کند که بر بهره‌برداری انسان از طبیعت تأکید ورزیده، دنیا و کائنات را مسخر انسان معرفی می‌کند (عمدتاً یهودیت، مسیحیت و اسلام مورد این انتقاد می‌باشند). وایت (وایت، ۱۹۶۷: ۱۲۰۳-۱۲۰۷) و توین بی (توین بی، ۱۹۷۲: ۱۴۱-۱۴۶) در بررسی ریشه‌های تاریخی بحران‌های اکولوژیکی، با دیدی افراط‌گرایانه دین را مسئول این بحران‌ها دانسته و معتقدند که یهودیت و مسیحیت از آنجایی که مشوق بهره‌برداری آزادانه و بدون قید و شرط از طبیعت می‌باشند، باعث بروز معضلات زیست محیطی معاصر هستند. وایت در نظریه‌پردازی خود اسلام و مارکسیسم را نیز موید همان سنت یهودی و مسیحی معرفی می‌نماید. تاثیر این تفکر بر سیاست‌های محیطی باعث شده است تا این سیاست‌ها انسان‌گرا، و بر پایه محوریت انسان تدوین شوند. تفکر مرکزیت انسان بعنوان تنها موجود خلاق، هوشیار و تولیدکننده در نظام طبیعت، حقی را در ذهن او ایجاد می‌کند که تنها به خود بیندیشد (فیروزی و سجادیان، ۱۳۹۵: ۳). با قرار گرفتن انسان در مرکز سیاست‌های محیطی و انسان‌مداری بعنوان پایه استراتژی‌های حفاظت محیطی، می‌توان انتظار داشت که ارزش محیط زیست و طبیعت تنها در حد ابزار تنزل یابد. علم‌گرایی، دیدگاه جزء‌گرایانه، جدایی انسان از طبیعت و تسلط بر آن و نیز نحوه ارزش‌گذاری، آن‌گونه که در دنیای معاصر رواج دارد سبب شده تا انسان مدرن، اصالت را به ماده بدهد و رفاه و امرار معاش را بعنوان هدف غایی حیات بشناسد (امین‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۰۰). در حقیقت ایراد در تعاریف متداول از توسعه پایدار در زمینه‌های گوناگون آن است که علی‌رغم تاکید بر استراتژی‌های حفاظتی و حفظ منابع برای نسل‌های آتی، و نیز بهبود و تطبیق با شرایط محیطی، تحت تاثیر جهان‌بینی‌های غالب بر جهان معاصر، به ابعاد مادی مسائل محیط زیست پرداخته و ابعاد اخلاقی و معنوی که غفلت از آنها سهم به‌سزایی در ایجاد بحران داشته است را چندان مورد توجه قرار نمی‌دهد.

از سوی دیگر بشر همواره از معنویت و فرهنگ دینی تأثیر پذیر بوده و زندگی خود را بر اساس آنها استوار نموده و کوشش کرده است تا جایی که برای او امکان دارد اصول زندگیش

را بر اساس معنویت قرار داده و ملاک‌های خود را از این طریق به دست آورد. جامعه‌شناسانی که دین را از لحاظ نیاز جامعه بررسی می‌کنند بر این باورند که جامعه نیاز به یک درجه خاص از همبستگی اجتماعی، یکپارچگی و هماهنگی بین اجزای آن است. طبق گفته دورکیم (۱۹۱۲)، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی که وجدان جمعی را تشکیل می‌دهند، برای زندگی اجتماعی مهم هستند زیرا در غیاب آنها، نظم اجتماعی، کنترل اجتماعی، همبستگی اجتماعی یا همکاری اجتماعی وجود نخواهد داشت (سالارزاده و فولادی، ۱۳۸۲). دورکیم معتقد است که دین، وجدان جمعی را با تعریف ارزش‌ها و اعتقادات اخلاقی مقدس تقویت می‌کند و به این ترتیب تاثیر پذیری دین بر هدایت انسان‌ها افزایش می‌یابد. در این میان بخصوص اقتصاددانان به نقش محیط و اکولوژی در مدیریت سیستم‌های اقتصادی تأکید داشته و هرگونه تراحمی را که به سیستم وارد شود، از آن جهت نامطلوب می‌دانند که در آینده بر سیستم‌های حمایتی که پایداری اقتصادی را تضمین می‌کنند خدشه وارد می‌سازد (امین زاده، ۱۳۸۱: ۱۰۰، نقل از راثو، ۲۰۰۰). با این حال بسیاری معتقدند که حکم ناموجهی در متون یهودی و مسیحی و اسلام در ارتباط با مناسبات انسان با طبیعت وجود ندارد بلکه خطا در تعبیر و تفسیر است (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۷۸-۸۹). بسیاری از طرفداران حفظ منابع طبیعی و محیط زیست بر این باورند که سیاست‌های زیست محیطی نه تنها باید از جامعیت برخوردار باشند بلکه این گونه سیاست‌ها در اجرا، محتاج حمایت‌های فرهنگ دینی و اخلاقی هستند که زیربنای حفاظت-های محیطی می‌باشد. به اعتقاد طرفداران این نظریه، نقش تاریخی مذهب در حفاظت از محیط، موید آن است که از دست دادن ارتباط معنوی با طبیعت، حفاظت از آن را دشوار نموده است. در نتیجه با تأکید بر نیاز به حضور یک پایه دینی برای حل بحران‌های زیست محیطی، حضور عامل دین در بحث‌های زیست محیطی ضروری است (کولا، ۲۰۰۱: ۱-۹).

از دیدگاهی دیگر کوشش‌های کنونی درباره چگونگی ارتباط دین با مباحث زیست محیطی دو رویکرد متفاوت را نشان می‌دهد. رویکرد غالب بر این پایه می‌باشد که دین باید بعنوان موضوعی خاص با تمام بخش‌هایی که به رفع بحران‌های زیست محیطی کمک می‌کند مانند

علوم، اقتصاد، آموزش و سیاست‌های عمومی در ارتباط قرار گیرد (توکر و گرین، ۱۹۹۸). در مقایسه، رویکرد دوم، ایجاد زمینه مناسب احیاء و حفاظت از فرهنگ دینی جوامع را توصیه می‌کند تا بدلیل تأکید دین بر جایگاه و ارزش دنیای طبیعی، امکان حفاظت از محیط زیست نیز ایجاد شود (امین زاده، ۱۳۸۱: ۹۹، نقل از گیلسپی، ۱۹۹۷). به نظر می‌رسد که در قیاس با رویکرد اول که با دین به صورتی انتزاعی برخورد نموده و به مثابه موضوعی به آن می‌نگرد که می‌باید با رشته‌های گوناگون علوم و فنون و با هر یک از طریقی خاص و محدود ارتباط برقرار نماید، رویکرد دوم به لحاظ جامعیتی که در معرفی ارزش‌های اخلاقی در برخورد با طبیعت دارد، بتواند با ایجاد زمینه و بستر مناسب در خصوص بهره‌گیری سیاست‌های محیطی از تعالیم دینی کارایی بیشتری داشته باشد. اما این رویکرد نیاز به شناخت هر چه بیشتر فرهنگ دینی و بکارگیری استراتژی‌هایی دارد که خود محتاج مطالعات جامع‌تری در مناسبات انسان - دین - محیط است (امین‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

در دهه‌های اخیر، بدلیل تداوم بحران‌های محیطی علی‌رغم پیشرفت علم و فناوری، دیدگاه جهانی نسبت به دین و نهادهای دینی تغییر نموده و به عنوان عاملی موثر در رفع بحران‌های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است. نگرش حفظ منابع طبیعی و محیط زیست به عنوان یکی از مسائل حیاتی، تا میزان زیادی نتیجه‌ی تأثیرپذیری انسان از فرهنگ‌های آسمانی است. از این رو آگاهی یافتن از دیدگاه‌های این ادیان به معنای ریشه‌یابی این اقدامات حمایتی است.

## ۲-۶. جایگاه مدیریت و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست در ادیان ابراهیمی

مبنای پیدایش بحران‌های تخریب منابع طبیعی و زیست محیطی کنونی، وجود بحران اخلاقی در میان انسان‌هاست (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۷۸-۸۹). از آنجایی که بشر همواره تحت تأثیر معنویت و فرهنگ دینی بوده و زندگی خود را بر اساس آن استوار کرده است، کوشیده است تا جایی که امکان دارد ملاک‌ها و رهنمودهای خود را از این طریق بدست آورد. بنابراین، نگرش او به محیط زیست بعنوان یکی از موضوعات حیاتی نیز تا حدود زیادی نتیجه تأثیرپذیری از همین فرهنگ‌های آسمانی است. تحقیقات اندیشمندان علوم دینی در جهان

نشان می‌دهد که تمامی ادیان الهی به حفاظت از منابع طبیعی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. با نگاه به جهان بینی‌های مبتنی بر ادیان ابراهیمی، درمی‌یابیم که سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، اخلاقیاتی انسان‌مدار را بنا نهاده‌اند. بنابراین طبیعت از دیدگاه این ادیان در درجه اهمیت بالایی قرار دارد. با بررسی دقیق‌تر مشاهده می‌کنیم که منابعی غنی از دیدگاه‌های مثبت درباره منابع طبیعی در سنت عهد عتیق، در الهیات مقدس، در مسیحیت مبتنی بر تجسد مسیح و در مفهوم خلیفه‌الله بودن انسان در قرآن وجود دارد. از آنجایی که ادیان الهی با فطرت انسانی در هماهنگی کامل هستند، دستورات آنها نیز در راستای زندگی سالم انسانی در محیط زیست پاک است. محیطی که انسان‌ها بتوانند در صلح با انسان‌های دیگر، گیاهان، حیوانات و تمام اجزای حیات زندگی کنند.

#### ۶-۲-۱. مدیریت و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست از دیدگاه یهودیت

برطبق کتاب مقدس تورات، آفرینش جهان به دست خداوند انجام گرفته است و اولین آیات کتاب مقدس داستان آفرینش را بازگو می‌کند. کتاب مقدس، آکنده از آگاهی و قدردانی نسبت به طبیعت است ( اشعیاء، ۴۰: ۲۶؛ عاموس ۵: ۸؛ ایوب ۳۸: ۴۱). در مزامیر ۱۲۴: ۱ آمده است: زمین و هر آنچه در آن است و جهان و هر آنچه که در آن زندگی می‌کند از آن خداوند است و خداوند طبیعت را به انسان واگذار نمی‌کند بلکه صرفاً اجازه استفاده از آن را به او می‌دهد. طبیعت و محیط زیست در آیین یهود، نماد تجدید بیعت یا اتمام حجت خدا و مظهر مهر و قهر است. اگر فرمان‌های خداوند اجراء و مراعات شوند، هوای تمیز، باران بسیار، گاوان گوشتین و چرمین، خاک بارور و ... برای انسان خواهد بود و اگر دستورهای خداوندی اجراء نشود، زلزله، ناباروری، آفات نباتی، ریزش سقف، سیلاب، طوفان، قحطی و .... خواهد بود (لاویان، ۱۳۸۰: ۱۴۵). ممنوعیت قطع کردن درختان در کتاب مقدس این گونه مطرح شده است: زمانی که شهری را برای مدت طولانی محاصره می‌کنید، درختان میوه را از بین نبرید، از میوه آنها بخورید ولی درختان را قطع نکنید. درختان دشمنان شما نیستند (تثنیه، ۲۰: ۱۹). در شولحان عاروخ ( رساله احکام یهود) آمده است که انسانی که به درختی آسیب برساند،

زندگی‌اش را در معرض خطر قرار می‌دهد ( ثنائی، ۱۳۸۲: ۳۹). در کتاب مزامیر در بخشی از سرود ۱۰۴: این سرود آفرینش طبیعت و موجودات را به تصویر کشیده است به عبارت دیگر نیاز انسان به طبیعت و ضرورت حفظ آن برای استمرار حیات نشان داده شده است. روشن است که تمامی دستورات دینی و شرعی یهودیت در راستای هماهنگ سازی انسان با طبیعت اطراف او است تا بتواند هم زندگی آرام و راحتی داشته باشد و هم این که به زندگی دیگر انسان‌ها و یا موجودات صدمه‌ای نزند. از این رو در ارتباط با طبیعت، که مظهر قدرت الهی است، در کتب مقدس یهود سفارش به احترام شده است.

#### ۶-۲-۲. مدیریت و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست از دیدگاه مسیحیت

پیام‌های کتاب مقدس در مورد خلقت، بسیار روشن است و بیان می‌شود که خلقت اصلی خداوند خوب است و خدا همه چیزهایی را که او ساخته بود، دید و شاهد آن بود، آن بسیار خوب بود (پیدایش ۱: ۳۱ a). بشر نباید این خلقت را غارت کند؛ زیرا این نشان دهنده خیر خداوند است؛ این الهام خداست؛ این همان چیزی است که خداوند ارزش می‌دهد و به خدا تعلق دارد. مسئولیت انسان در برابر طبیعت چیست؟ کتاب مقدس روشن می‌کند که خداوند متعال مسئولیت زمین و نگهداری از زمین را به انسان واگذار کرده است و خداوند این انسان را گرفته و او را به باغ عدن منتقل کرده تا آن را زینت دهد و آن را حفظ کند (پیدایش ۲: ۱۵). با این حال بسیاری از مشکلات زیست محیطی ما می‌تواند به دنبال آزادی بیش از حد انسان و حرص و طمع او باشد و کتاب مقدس در مورد چنین حرص و طمع هشدار می‌دهد و می‌گوید مراقب باشید و از طماع بودن پرهیزید (اشعیا ۵: ۸-۱۰). در قسمتی از باب چهاردهم کتاب اعمال رسولان کوشش شده است تا انسان از راه توجه به طبیعت، به سوی خداوند هدایت شود. پس طبیعتی که وسیله رسیدن بشر به آفریننده هستی است، مورد احترام است. و همین سبب می‌شود که انسان به آسانی آماده تخریب و آلودن محیط زیست خود نشود و دست به ارتکاب جرم بر ضد آن نزند. در کتاب مقدس زمین امانت خداوند در دست انسان است و انسان حتی حق خرید و فروش این امانت را ندارد، چه برسد به نابودی و تخریب آن:



اما زمین ابداً فروخته نشود زیرا زمین از آن من است چون که شما پیش من غریبان و میهمان- اید (کتاب مقدس). با این حال بسیاری از صاحب نظران غربی و مسیحی بر این باورند که تاثیر دین و آموزه‌های آن بر نگرش انسان درباره منابع طبیعی و محیط زیست و نحوه عملکرد آن انکارناپذیر است (وهاب زاده، ۱۳۸۱: ۲۵۳). اگر چه بعضی از صاحب نظران غربی مانند نیچه و لین وایت زمینه‌ساز بحران‌های زیست محیطی را نتیجه تعالیم مسیحیت در محور قرار دادن انسان می‌دانند (گیر، ۱۳۸۰: ۱۴۷)، بسیاری از صاحب نظران با استناد به بخش‌هایی از کتاب مقدس ثابت کردند که خلافت انسان در جهان و حق مالکیت او به معنی بهره برداری بی قید و شرط و غیر متعهدانه از طبیعت نیست.

### ۳-۲-۶. مدیریت و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست از دیدگاه اسلام

حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست به معنای عدم بهره‌برداری یا حتی کمتر استفاده کردن از آن نیست، بلکه استفاده بهینه و عاقلانه از طبیعت همواره مورد تأکید بوده است. اسلام به عنوان دینی ورای زمان و مکان می‌تواند نیازهای بشر را در همه اعصار پاسخ دهد، حاوی مفاهیم، تعالیم و راهکارهای کاملی در خصوص چگونگی مواجهه و هماهنگی با پدیده‌های طبیعت بوده و دستورات مشخص و مؤکدی در این راستا دارد. بررسی متون و مستندات مختلف دین اسلام، نشانگر وجود دیدگاه‌های مشخصی در راستای مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست است. بطور کلی می‌توان دیدگاه اسلام را از لحاظ آیات قرآنی، سیره و احادیث ائمه معصومین و از دیدگاه فقهی بررسی نمود.

### ۱-۳-۲-۶. دیدگاه قرآن کریم در مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست

اصولاً زمانی انسان شایسته نام انسان بودن است که دارای اخلاق انسانی باشد. در غیر این صورت، حیوانی خطرناک به شمار می‌رود که با استفاده از هوش سرشار خود، همه چیز را ویران می‌کند. قرآن برای پرورش و تزکیه نفس اهمیت زیادی قائل شده است و گویی همه ارزش‌ها را در این ارزش بزرگ خلاصه می‌کند. در واقع اهتمام قرآن کریم به اخلاق و تهذیب نفس بعنوان موضوعی اساسی و زیربنایی می‌باشد و بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکننده

است. خداوند می‌فرماید: «اوست خدایی که میان عرب امّی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می‌کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک می‌سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می‌آموزد و همانا پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند» (سوره جمعه آیه ۲). از طرف دیگر با در نظر گرفتن این نکته که به حکم قرآن کریم همه چیز در جهان آفرینش بر پایه‌ی نظم و عدالت استوار است و هر چیزی به اندازه آفریده شده است. «همانا ما همه چیز را به اندازه آفریده‌ایم» (سوره قمر، آیه ۴۹). پس هر چیز مقدار و حدودی دارد و بایستی به طور صحیح و درست بهره برداری شود تا نابود و منهدم نگردد. چرا که این ثروت‌های طبیعی فقط به این نسل تعلق ندارد بلکه این اندوخته‌ها به نسل‌های بعد از ما نیز تعلق دارند. از مفهوم آیه این نتیجه به دست می‌آید که نابسامانی‌های موجود در طبیعت، ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع طبیعی است. در قرآن کریم از نابودکردن و تخریب محیط زیست به عنوان اعتداء (تجاوز) نام برده شده و بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست نسبت به منابع طبیعی داشته باشند، از رحمت و محبت خداوند محروم خواهند بود. و کسانی که نعمت‌های ما را تکذیب کردند و کفر نمودند از رحمت خداوند دوراند (سوره مائده، آیه ۸۶). درست است که خداوند طبیعت را مقهور انسان آفریده و انسان را به عنوان جانشین خود در زمین قرار داده است، اما این به آن معنا نیست که او آزاد باشد تا هر گونه که مایل است رفتار کند. انسان در برابر خداوند و تمامی آفرینش مسئول است. دین‌پژوهان اعلام کرده‌اند که توجه به ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، تضمینی برای حفاظت از منابع طبیعی است. آنها معتقدند که انسان‌ها علاوه بر اجرای قوانین باید استانداردهای اخلاقی را نیز مراعات کنند تا به اهداف پایدار خود دست یابند. از نظر قرآن کریم طبیعت جایگاه بالا و نقش زیادی در زندگی موجودات زنده دارد. چنانچه خداوند در آیه ۳۰ سوره انبیاء فرموده است: «از آب همه چیز را زنده کردیم» (آیه ۳۰ سوره انبیاء). پس گیاه، حیوان و انسان زندگیشان به آب بستگی دارد. حتی از نظر قرآن حیات موجودات به ظاهر بی‌جان همچون زمین به واسطه آب است. «خداوند آب را نازل کرد و زمین مرده را به وسیله آب زنده کرد» (آیه ۱۶۴ سوره بقره). در واقع اگر اسلام بر حمایت اساسی از منابع طبیعی و حفاظت از آنها تاکید دارد به خاطر خیر انسان و تأمین ضروریات و حاجت‌های

انسان، چه نسل حاضر و چه نسل‌های آینده می‌باشد. از منظر قرآن کریم انسان مسئول صیانت از طبیعت است و فساد و اسراف در طبیعت را بر نمی‌تابد «خداوند شما را از زمین خلق کرد و شما را مأمور آبادانی آن نمود» (سوره هود، آیه ۶۱). «و آنان که در زمین فساد می‌کنند از زیان‌کارانند» (سوره بقره، آیه ۲۷). «اسراف نکنید که خداوند اسراف‌گران را دوست ندارد» (سوره انعام، آیه ۱۴۱). خداوند از منابع طبیعی به رزق و روزی انسان یاد می‌کند. «ما زمین را امتداد داده و در آن کوه‌ها را قرار دادیم و در آن از هر شیء موزون رویاندیم و روزی شما را در زمین قرار دادیم» (سوره حجر، آیات ۱۹ و ۲۰). در ادامه این دو آیه از نزول باران و رویاندن گیاهان و انواع میوه‌ها و پیدایش بستان‌ها که محل ارتزاق انسان و حیوانات است، سخن می‌گوید و بعد نسبت به خطر ظالمین در زمین اشاره کرده می‌فرماید: «زمانی که ظالمین مستولی بر زمین شوند تلاش در هلاکت نسب و مزارع می‌نمایند و خداوند فساد را دوست ندارد» (سوره بقره، آیه ۲۰۵). به وضوح از این آیه می‌توان برداشت نمود که ویرانگری در نسل و منابع طبیعی حرام است. «با دستان خود خویشتن را به هلاکت نیفکنید» (سوره بقره، آیه ۱۹۵). در وجه استناد به آیات کریمه فوق بر کسی پوشیده نیست که اولاً تخریب منابع طبیعی، فساد در زمین محسوب شده و ثانیاً آلوده کردن هوا و آب چون ماده حیاتی هستند، اقدام به هلاکت نفس تلقی می‌گردد. قرآن کریم طبیعت را عنصری با شعور تلقی می‌کند که گنجینه اسرار الهی است. «روز قیامت زمین از اخبار خود سخن می‌گوید به آنچه که خداوند به آن وحی نموده است» (سوره زلزال، آیات ۴ و ۵). همان‌گونه که مشاهده می‌شود زمین عنصری با شعور تلقی شده که گنجینه اسرار الهی است. نکته‌ای که قرآن از آن پرده برداشته، این است که کارهای انسان هم در حوادث خارج اثر دارد. یعنی اگر جامعه‌ای رو به صلاح و سعادت برود، حوادث خارج هم عوض می‌شود و اگر جامعه‌ای سرکشی و تعدی کند حوادث جامعه هم بر آن اساس دگرگون می‌شود. قرآن کریم وعده می‌دهد که اگر شما انسان‌های شایسته‌ای باشید باران به موقع بر شما می‌بارد. «و اگر بر طریقه (اسلام و ایمان) پایدار بودند آب (علم و رحمت و رزق) فراوان نصیبشان البته می‌گردانیدیم» (سوره جن، آیه ۱۶). و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفرکردار زشتشان رسانیدیم» (سوره اعراف آیه ۹۶). «زمین

پاک نیکو گیاهش به اذن خدایش (نیکو) برآید و از زمین خشنِ ناپاک بیرون نیاید جز گیاه اندک و کم‌ثمر، این گونه ما آیات (قدرت) را به هر بیان توضیح می‌دهیم برای قومی که شکر خدا به جای آرند» (سوره اعراف آیه ۵۸). بنا بر آیات می‌بینیم که اگر جامعه‌ای اهل دیانت و پرهیزگاری و عمل صالح باشند، برکت‌ها را به موقع می‌بینند و گرنه از او گرفته می‌شوند. «آیا شما مردم به حسّ مشاهده نمی‌کنید که خدا انواع موجوداتی که در آسمانها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان فرموده؟ و (با وجود این) برخی از مردم از روی جهل و گمراهی و بی‌خبری از کتاب روشن (حق) در (دین) خدای متعال مجادله می‌کنند» (سوره لقمان، آیه ۲۰). همان گونه که مشاهده می‌شود، خداوند منان سرنوشت بشر را به گونه‌ای رقم زده است که در دامان طبیعت رشد کند و به آن نیازمند باشد و طبیعت را نیز به شکلی آفریده است که در خدمت انسان باشد و نیازهای او را برطرف نماید. با در نظر گرفتن این نکته که همه چیز در جهان آفرینش بر پایه نظم و عدالت استوار بوده و هر چیزی به اندازه لازم آفریده شده است (سوره قمر، آیه ۴۹)، این نتیجه بدست می‌آید که نابسامانی‌های موجود در طبیعت و جرائم ضد آن ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است. در واقع می‌توان گفت که نگرش اسلام به محیط زیست و منابع طبیعی یک نگرش همه‌جانبه بوده و در عین حال که طبیعت و محیط را برای استفاده بشر آماده ساخته است، جلوی هرگونه تجاوز و سرکشی انسان را هم گرفته است. خداوند در سوره نحل می‌فرماید: «کفران کردند نعمت‌های خدا را، پس ایشان را خدا به گرسنگی و بیم و تشویش مبتلا کرده است» (سوره نحل آیه ۱۱۲). از مجموعه آیات می‌توان دریافت که عدم احساس مسئولیت نسبت به باورهای دینی و ناآگاهی و کم‌آگاهی مردم نسبت به توصیه‌های قرآنی از جمله دشواری‌های اساسی در مدیریت منابع طبیعی است.

#### ۲-۳-۲-۶. سیره انبیاء و معصومان در مدیریت و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست

از مجموع احادیث و روایات می‌توان دریافت که فضایل اخلاقی نه تنها سبب نجات در قیامت است بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد. در حدیث معروفی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم: *إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ*. یعنی «من تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام» (مجلسی، ۱۴۰۳ قمری: ۱۱۳). در حدیث دیگر از امیرمؤمنان علی (ع) آمده است که

فرمود: اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم، چرا که آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: ۵۸۲). در اسلام محافظت از محیط به‌عنوان شعبه‌ای از ایمان نامبرده شده است چنانچه در حدیث است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند: «ایمان هفتاد و چند شعبه دارد که بهترین آن گفتن لا اله الا الله است و پایین‌ترین درجه‌ی آن کنار زدن و برداشتن اذیت و آزار از راه مردم می‌باشد و حیا نیز شعبه‌ای از ایمان است» (صحیح مسلم، ۲۰۶ - ۲۶۱ هجری). چنانچه در حدیث فوق ملاحظه می‌کنید از بین بردن اذیت و آزار در محیطی که مردم زندگی می‌کنند از شعبه‌های ایمان نامبرده شده است. از منظر احادیث معصومین (ع) استفاده می‌شود که طبیعت اهمیت ویژه‌ای دارد تا آنجا که همه پیامبران به جزء ادريس (ع) کشاورز بودند (طباطبایی، ۱۳۴۷ قمری: ۴۸). از امام صادق (ع) در این باره چنین روایت شده که خداوند برای پیامبرانش کشاورزی و درخت‌کاری را برگزید تا از بارش باران ناخشنود نباشند (حرعاملی، ۱۰۸۲ قمری: ۱۹۳). در سخنان بزرگان دین توصیه زیادی به احیا و حفظ طبیعت شده است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آمده است که «مسلمانی نیست که درختی بنشانند و یا زراعتی کشت کند که از آن پرندگان و آدمیان و چهارپایان بخورند، مگر آن‌که چنین کاری برای او صدقه محسوب می‌شود» (بخاری جعفری، ۲۲۶ قمری: ۶۶). همچنین از حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است که: «تحفظوا من الارض فانها أمکم» یعنی «از زمین حفاظت کنید به درستی که آن مادر شماست» (طبرسی، ۵۳۶ قمری: ۵۲۶) و در حدیث دیگری می‌فرماید: «إِنْ قَامَتْ عَلَيَّ أَحَدِكُمْ الْقِيَامَةُ، وَفِي يَدِهِ فَسِيلَةٌ فَلْيُغْرِسْهَا» یعنی «اگر قیامت برپا شود و در دست نهالی باشد باید آنرا بکارد». امام علی (ع) می‌فرمایند، رسول خدا (ص) از ریختن سم حتی در سرزمین‌های مشرکین نهی فرموده است. همچنین فرموده‌اند: لا تفسد علی القوم ماءهم «از آلوده کردن آب دشمنان پرهیزید». همچنین در خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه می‌فرمایند: فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم «انسان‌ها مورد سؤال واقع می‌شوند حتی در مورد زمین‌ها و چهارپایان» (کلینی، ۳۲۹ قمری: ۳۳۱). از امام صادق (ع) نقل

شده است که ایشان درباره ویژه‌گی‌های آب که یکی از منابع طبیعی ارزشمند برای انسان و مایه حیات است، چنین می‌فرمایند: «اگر فراوانی آب در چشمه‌ها و بیابان‌ها و نهرها نبود زندگی بر مردم دشوار می‌شد، زیرا بشر نیاز فراوان به آب دارد برای نوشیدن خود و چهارپایانشان و آبیاری انواع مزرعه‌ها، باغ‌ها و درختانشان به آب نیاز دارند» (علامه مجلسی، ۱۰۳۷-۱۱۱۰ هجری قمری: ۳۸۲). در جای دیگر حضرت (ع) فرمودند: «برای زمین پایداری نیست مگر با آب (زمین بدون آب پایدار نمی‌ماند)» (شیخ صدوق، ۳۰۵-۳۸۱ قمری: ۱۰۱). امام رضا (ع) نیز در این زمینه می‌فرمایند: «نام آب خشیه‌الله است یعنی مخلوقی که از خدا ترسیده زیرا خداوند با هیبت به آن گوهر نظر افکند و تبدیل به آب شد» (علامه مجلسی، همان). از مجموع احادیث و روایات ملاحظه می‌شود که نقش و جایگاه منابع طبیعی و محیط زیست در سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نقشی کلیدی و بسیار مهم است.

#### ۳-۳-۲-۶. قواعد عملی و فقهی تضمین کننده مدیریت منابع طبیعی و حفظ محیط زیست

در دین مقدس اسلام اصول و قواعد فقهی خاصی وجود دارد که بر اساس آن ارزش طبیعت و حفظ آن روشن می‌شود. آن اصول عبارتند از:

۱- انواع احکام: بر اساس یک تقسیم بندی کلی در اسلام، احکام دو دسته اند: یک دسته احکام خاص و صریح و دسته دیگر احکام عام و کلی (بلوچیان طرقی، ۱۳۹۴: ۲۲۴). دسته اول احکامی هستند که جنبه ثابت و تغییر ناپذیری دارند، مانند ازدواج که حکم آنها در قرآن و سنت و احادیث بطور کامل آورده شده است. دسته دوم از این احکام به این علت وضع شده‌اند که نیازهای زندگی بشر در هر عصری متفاوت است و به این دلیل وضع احکام ثابت و تغییر ناپذیری برای آنها حکیمانه نیست. در نتیجه باید احکامی وضع شود که جنبه کلی داشته و در هر عصر، با نیازهای انسان‌های آن عصر منطبق باشد باید گفت که احکام مربوط به محیط زیست و منابع طبیعی هم از دسته نخست است و هم از دسته دوم. به این معنا که نسبت به برخی از مسائل زیست محیطی، احکام اسلامی صریح و ثابتی وجود دارد و در مورد برخی دیگر از مسائل باید با توسل به احکام کلی و عام، حکم موضوع و مسئله را یافت (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۶: ۳۶).

۲- انواع مالکیت: مالکیت از نظر کلی بر دو قسم است. مالکیت مطلق و مالکیت نسبی (بلوچیان طرقي، ۱۳۹۴: ۲۲۷) (مالکیت نسبی شامل: مالکیت عمومی، مالکیت خصوصی و شخصی). نوع اول مالکیت مالکیتی است که به مالک حق می‌دهد که بدون هیچ گونه محدودیتی هرگونه که بخواهد در ملک خود تصرف نماید که این نوع مالکیت از دیدگاه قرآن مالکیت خداست. و آنچه که در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداست (سوره نجم، آیه ۳۱). مالکیت نسبی مالکیت غیرخدا است در هر کجا و هر کسی که باشد. یعنی مالکیتی است که به مالک حق می‌دهد در چهارچوبی که برای او معین شده، در ملک خود تصرف نماید و از آن بهره‌مند شود، بدون آنکه حق تجاوز از آن چهارچوب را داشته باشد. خود مالکیت نسبی به دو بخش تقسیم می‌شود. الف: مالکیت عمومی: قوانین اقتصادی اسلام همه منابع طبیعی، ثروت در خشکی و دریا و فضا را متعلق به عموم انسان‌ها می‌شمرد و هیچ کس را به هیچ عنوان مالک اختصاصی آنها نمی‌شناسد. ب: مالکیت خصوصی: مالکیتی که مخصوص فرد یا افراد خاصی است (بلوچیان طرقي، ۱۳۸۴: ۲۲۸).

۳- قاعده لا ضرر ولا ضرار: این اصل در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است به موجب این اصل در اسلام ضرر به هیچ وجه مشروعیت ندارد، چه در مرحله وضع قوانین و چه در مرحله اجرای قانون. این اصل بر هرگونه مقرر شرعی حکومت کرده و تعدی از حدود را اجازه نمی‌دهد (محقق داماد، ۱۳۶۳: ۱۳۳-۱۶۸). مستندات این قاعده شامل: عقل، کتاب و روایات می‌باشند.

الف- عقل: مهمترین دلیل بر نفی ضرر و ضرار منبع چهارم فقه یعنی عقل است. یعنی اموری که بدون حکم شرع، خود عقل به آنها می‌رسد.

ب- کتاب: در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که لا ضرر را به صورت یک قاعده می‌تواند تثبیت کنند. از جمله سوره بقره آیه ۲۳۳ که می‌فرماید: «مادران نهی شده‌اند که با قطع شیر موجب ضرر و زیان فرزند خود شوند» یا «پدری فرزندی را از دیدن مادرش محروم کند و به بچه ضرر بزند بخاطر ستیز با مادر بچه (همسر خود)» (سوره بقره آیه ۲۳۱).

ج- روایات: در خصوص لاضرر روایات بسیاری آورده شده است. ضرر در لغت به معنی خلاف نفع است. شیخ انصاری در کتاب رسائل و هم در رساله مخصوصی که در مورد لاضرر تنظیم شده است، این قاعده را بررسی می‌کند. خلاصه نظر ایشان این است که هر حکمی که از ناحیه شارع صادر می‌شود، اگر مستلزم ضرر باشد یا از اجرای آن ضرری برای مردم حاصل شود طبق قاعده لاضرر برداشته می‌شود. مثلاً اگر کسی آب برایش ضرر داشته باشد، وجوب وضو به موجب قاعده لاضرر برداشته می‌شود. خلاصه این که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد ولی عدم مشروعیت ضرر هم شامل مرحله قانونگذاری می‌شود و هم شامل مرحله اجرای قانون (شیخ انصاری، ۱۲۱۴ قمری: ۱۷۲ به بعد). بنابراین طبق این قاعده‌ی فقهی، ضرر به غیر حرام است خواه کم باشد یا زیاد، تخریب منابع طبیعی ضرر بر نسل‌های فعلی و آتی است. در ادله‌ای که برای نفی ضرر از قرآن کریم و روایات استفاده می‌شود به خوبی می‌توان این قاعده را تعمیم داد و شامل ضرر به منابع طبیعی دانست.

قاعده تسلیط: قاعده دیگری وجود دارد تحت عنوان قاعده تسلیط. طبق این قاعده، مالک می‌تواند در ملک خود هرگونه تصرفی به وجود آورد، بدون اینکه کسی حق ایجاد مزاحمت برای او داشته باشد. در نتیجه برخورد و تضاد چنین قاعده‌ای با قاعده لاضرر طبیعی است (نجفی، ۱۲۲۷ قمری: ۱۳۸). اگر تصرف مالک بر ملک خودش موجب ضرر دیگری نیست ولی موجب عدم انتفاع دیگری است در این صورت قاعده تسلیط حکومت دارد. اگر تصرف مالک در ملک خود موجب ضرر دیگری است شامل سه مورد می‌شود. اول: تصرف مالک باعث ضرر مالک می‌شود در نتیجه قاعده تسلیط حاکم است. دوم: عدم تصرف مالک موجب عدم انتفاعش می‌شود که در نتیجه بین فقها اختلاف وجود دارد. سوم: نه عدم تسلط مالک موجب نفع خودش است و نه تسلط موجب نفعش است در نتیجه قاعده لاضرر تسلط دارد. در نتیجه می‌توان گفت که اگر کسی نسبت به چیزی حقی داشته باشد، نسبت به آن مسئولیت نیز دارد و مسئولیت و حق از یکدیگر جدا نیستند. در مورد حقوق همگانی مثلاً بهره برداری از منابع طبیعی برای هر یک از افراد جامعه ثابت است، ولی این حق همراه با مسئولیت و وارد نکردن خسارت به حق عام دیگران می‌باشد. بررسی موارد کاربرد واژه‌های ضرر و ضرار در



منابع اسلامی نشان می‌دهد که ضرر شامل کلیه خسارت‌های وارد شده به دیگری است ولی ضرر مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگران زیان وارد کند که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به سوء استفاده از حق تعبیر می‌شود ( محقق داماد، ۱۳۸۲: ۱۴۶). اگر طبق نظر علمای گذشته در حفظ منابع طبیعی قاعده تسلیط را حاکم بر قاعده لاضرر قرار داده و به مالک اجازه دخل و تصرف در ملکش را بنماییم و مالک هم اقدام به قطع درختان، آلودگی آبها و غیره در محدوده مالکیتش بکند، حقوق جامعه را زیر پا گذاشته‌ایم. در هر صورت باید میان منافع فرد با منافع جامعه، منافع جامعه را برگزید. اولویت حقوق جامعه چنان اهمیت دارد که برای دفاع از حقوق جامعه می‌توان در مالکیت فرد نیز دخالت کرد. در نتیجه بر اساس این قاعده اگر تصرف مالک موجب زبانی از جانب او به دیگری شود، باید جبران ضرر وارد شده گردد. بنابراین هرگاه استفاده از منابع طبیعی بوسیله گروه یا نسلی به تضييع حق گروه‌های دیگر یا نسل‌های دیگر بیانجامد، براساس این قاعده ضمان آور است و دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به اعمال حق آنها بپردازد (فراهانی، ۱۳۸۴: ۹۱-۱۲۲).

قاعده اتلاف و تسبیب: در مسئولیت جبران زیان دو نظریه تقدیر و نظریه مسئولیت وجود دارد. قانون مدنی ایران این مسئولیت را تحت دو عنوان اتلاف و تسبیب بیان نموده است. اتلاف به دو گونه صورت می‌گیرد. ۱- مباشرت ۲- تسبیب  
مباشرت: مثل اینکه فرد مال دیگری را می‌خورد و یا آتش می‌زند و بدون واسطه خودش بصورت مستقیم موجب عملی می‌شود که باعث تلف شدن مال یا جان دیگری می‌شود (نجفی، ۱۳۲۷ قمری: ۴۶).

تسبیب: ضابطه در آن این است که اگر آن سبب نبود، تلف صورت نمی‌گرفت. لیکن علت تلف چیز دیگری است مثل کندن چاه، انداختن چاقو و غیره. یعنی انجام عمل با واسطه.

#### نتایج حاصل از این قواعد:

۱. حفظ و مراعات عدالت و فضایل اخلاقی: انسان باید همواره آزاد بماند و بر کرامت انسانی اش آسیبی وارد نیاید. «بنده دیگران مشو که خدا آزادت آفریده است» (محمدی ری

شهری، ۱۳۸۴: ۵۸۲). «مقررات مردم همواره بر محور عدالت و نیکی به نزدیکان می‌چرخد و با آنچه زشت و ناپسند و بی‌عدالتی باشد در نبرد است» (سوره نحل آیه ۹۰).

۲. عمومیت منابع طبیعی از جهت حفظ و بهره‌برداری: «زمین و هر چه که در آن است متعلق به همه مردم است نه به گروه یا طبقه خاصی از آنها و زمین را برای زمینیان قرار داد که در آن هر گونه میوه و خرما و غلافدار و دانه پوست‌دار و گیاه خوش بو است» (سوره الرحمن آیات ۱۰-۱۲). خدا دوست ندارد که بهره‌مندی اقتصادی در انحصار طبقه معینی باشد و ثروت فقط در میان ثروتمندان دست به دست شود» (حشر آیه ۷).

۳. سربار بودن و از دسترنج دیگران زندگی کردن، مایه دوری از رحمت خداست: «ملعون من ألقى كَلِّه على الناس» (شیخ حر عاملی، ۱۰۸۲ قمری: ۱۹۳). «هر کس در زندگی خود بار دوش مردم شود، از رحمت خدا محروم است».

۴. دستیابی بر ثروت باید از راه صحیح باشد نه از راه باطل: «و اموال خود را در بین خود به باطل نخورید و برای خوردن مال مردم قسمتی از آن را به طرف حکام به رشوه و گناه سرازیر ننمائید با اینکه می‌دانید که این عمل حرام است» (سوره بقره آیه ۸۸).

۵. بهره‌مندی یک فرد یا گروه هرگز نباید مستلزم زیان دیدن و رنج کشیدن دیگران باشد. این امر ظلم به دیگران و بی‌عدالتی محسوب می‌شود (لا ضرر ولا ضراراً فی الاسلام). در اسلام و مقررات آن چیزی که به زیان مردم باشد یا راه زیان رساندن به دیگران را باز گذارد، وجود ندارد. در حفاظت از منابع طبیعی انسان‌ها باید از درون خود ملزم شوند که از منابع خدادادی بصورت شایسته‌ای بهره‌برداری کنند. به گونه‌ای که از حد خویش تجاوز نکرده و به حقوق دیگران تجاوز نمایند. زیرا نمود این تجاوزها بصورت اسراف و تبذیر درمی‌آید، یا بصورت ظلم و غیره. رعایت تمامی این موارد منوط به این است که انسان به ندای درونی خود (وجدان و فطرت) توجه کند. اگر در اثر غفلت انسان گناهانش بیش از حد شد و فرد نتوانست راه درست را از نادرست تشخیص دهد، آنگاه باید طبق دستورهای دینی که پذیرفته عمل کند تا سبب اضرار به غیر نشود. سعادت افراد خانواده و اجتماع پس از آگاهی دقیق

نسبت به دستورها و احکام خداوند در گرو عمل به آن است. برای آنکه احکام الهی به خوبی اجرا شود، برنامه‌های دینی به صورتی تدوین شده است که عمل به آنها زمینه کم شدن گناه و جرم را در افراد بوجود می‌آورد، مانند نماز، روزه، تسریع در ازدواج جوانان و ... و در نهایت اگر این دو وسیله ( فطرت و دین) کارساز نبود، ضمانت‌های اجرایی دیگر تجاوزات و سرکشی‌های بیش از حد او را می‌گیرد.

۶. علاوه بر دو امر فطرت و دین، امور دیگر بعنوان ضمانت اجرایی اوامر الهی پیش‌بینی شده که عبارت‌اند از:

یکم ( اخلاق): در تربیت‌های دینی، بیشترین سرمایه‌گذاری روی این مرحله شده که انسان‌ها به گونه‌ای تربیت شوند که انگیزه درونی به انجام دادن دستورهای الهی و آلوده نشدن به گناه داشته باشند که از آن به اخلاق تعبیر می‌کنند. پس برای آنکه فضایل اخلاقی حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست را در خود پرورش دهیم، کافی است که یاد خدا و توجه به اسماء و صفات والای ذات پاکش را در درون خود زنده نگه داریم. زیرا اعمال مخربانه در دو صورت بوجود می‌آید. اول غافل شدن انسان از خداوند و دوم احساس بی‌نیازی از او، که هر دو آنها باعث طغیان انسان شده و به اعمال مفسدانه در منابع طبیعی و محیط زیست منجر می‌شود. انجام هر چه بیشتر این اعمال در روح او تاثیر گذاشته و بتدریج بصورت عادت و بعد ملکه درمی‌آید که حتی نسبت به اعمال مجرمانه دیگران واکنشی از خود نشان نمی‌دهد و این خلاف جهت کمال انسانی و تزکیه نفس است. در مقابل اگر انسان بر اساس خواسته‌های درونی و فطری خود حرکت کند، و کمال مطلق واقعی را در خدا و ارزش‌های واقعی بجوید ( زیرا انسان در فطرت میل به کمال مطلق دارد ولی گاه به خطا رفته)، دیگر به منابع طبیعی اطراف خود به منزله گاو شیرده نگاه نمی‌کند که تنها باید آن را دوشید، بلکه طبیعت و محیط زیست وسیله حرکت و تکامل خواهد بود.

دوم ( فقه): دین مقدس اسلام برای سلامت افراد جامعه و حمایت از آنان، احکام عام و خاصی را وضع کرده است که باید تمام افراد جامعه به آنها عمل کرده و آنها را سرلوحه امور خویش قرار دهند و در جاهایی که امکان دارد آن احکام قاصر باشند در رسیدن به سلامت

جامعه، با ایجاد احکام ثانوی و قواعد معتبر ( قواعدی مثل لاضرر، ضمان، تلف، تسبیب و غیره) در فقه، جلو هرگونه کوتاهی و ضرر و زیان گرفته شود. برای اجرای صحیح فرمان‌های الهی، تمامی افراد جامعه موظف شده‌اند که بر اعمال یکدیگر در جامعه نظارت داشته و بدون هیچ گونه محافظه کاری و ترس جلو تخلفات را بگیرند.

سوم ( حقوق): آخرین راه برای اصلاح جامعه و حفاظت از منابع طبیعی، وضع قوانینی است که حاکم اسلامی بتواند به وسیله آنها افراد را که نتوانسته اند خود را با دو مرحله پیش هماهنگ و در جهت مصالح مردم حرکت کنند، مانع شود و آنها را به کیفر اعمال خود برساند.

### ۳-۶. فاصله بین آموزه‌های متعالی دینی و فرهنگی در نظریه پردازی تا برنامه‌های اجرایی و دستاوردهای عملی در مدیریت منابع طبیعی: آسیب‌شناسی و راه حل‌ها

بنظر می‌رسد با توجه به آنچه که گفته شد، دیدگاه دین در مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست کاملاً شفاف و روشن است و مشکل در نبود و فقدان آموزه‌های اخلاقی در این راستا نمی‌باشد، بلکه مشکل اساسی نحوه اجراء و پیاده سازی این آموزه‌ها و بکارگیری آنهاست. در این بخش سعی شده است که دلایل عدم موفقیت بکارگیری این آموزه‌ها ذکر، و راهکارهایی برای عملی شدن آنها ارائه شود.

۱- به تدریج و با گذشت زمان، دین از حالت فرانهادی به حالت نهادی تبدیل شده و در این تحول ساختاری، ذهنیات انسان‌ها نیز دست خوش تحول شده است. به نظر می‌رسد متأسفانه بنا به دلایلی (که منشأهای متفاوتی می‌تواند داشته باشد) نهادهای دینی نسبت به قبل، نفوذ خود را تا حدودی از دست داده باشد. از جمله مسائل و مشکلات مهمی که وجود دارد و دارای منشأ خارجی می‌باشد، تهاجم سازمان‌یافته فرهنگی دشمن نامیده می‌شود و مقام معظم رهبری هم بارها در این زمینه هشدارهای لازم را داده‌اند. این عوامل تا حدودی موجب عدم اعتماد به نهادهای دینی و دین‌گریزی در جامعه و به‌خصوص در نسل جوان شده و نقش کلیدی و محوری این نهادها و مبلغان دینی آن‌چنان که شایسته و لازم است، در نظر گرفته نشده و از تمام پتانسیل‌های موجود در این زمینه استفاده نمی‌شود. لذا باید آسیب‌شناسی‌های لازم در این زمینه صورت پذیرفته و مرتفع شود.

۲- یکی دیگر از عوامل اصلی دین‌گریزی جامعه و جوانان، ناسازگاری میان قول و عمل دینداران و منادیان دین است. عوامل دیگری از جمله غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین نیز تأثیر اساسی در این فرایند دارند. به هر حال، از بهترین و اصلی‌ترین راه‌ها برای جلوگیری از دین‌گریزی جوانان نشان دادن یک الگوی مناسب برای آنها می‌باشد و منادیان و دعوت‌کنندگان به سوی دین باید پیش از این‌که جامعه را تبلیغ کنند به فکر تزکیه و تهذیب نفس خود باشند تا مشمول آیه شریفه لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ نشوند. البته نباید از عوامل دیگر نیز غفلت کرد که هر یک به نوبه خود عامل مهمی برای دین‌گریزی می‌باشند.

۳- از جمله عوامل دیگری که سبب دین‌گریزی یا تضعیف باورها و اعتقادات می‌شود و به سستی مردم در انجام تکالیف و وظایف شرعی می‌انجامد، فقر و تهیدستی است. این عامل به شدت دین و دین‌داری را تهدید می‌کند و خطری بزرگ برای دین‌داری مردم و مانعی جدی در راه عمل به احکام دین و رشد اخلاقی و تعالی معنوی بوده و حتی موجب سقوط به ورطه کفر و گمراهی است. ادیان الهی و به ویژه اسلام، فقر و پریشانی را نمی‌تابند و مبارزه‌ای گسترده در همه ابعاد علیه فقر و ناداری نموده‌اند. تعالیم اسلامی فقرا را نکوهش می‌کند و آثار زیان‌بار و پیامدهای منفی فراوانی برای آن بر می‌شمارد و به مردم و حاکمان اسلامی و متولیان امور معیشتی مردم، نسبت به این مسئله شدیداً هشدار می‌دهد. بنابراین بر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اسلامی لازم است که با برنامه‌های شایسته اقتصادی ریشه‌های فقر را قطع کرده، به محرومان و تهیدستان نزدیک شوند و از آنها حمایت کنند تا دین خدا بتواند در اجتماع تجسم و تحقق پیدا کند و دین‌داران بتوانند بهتر به وظایف خویش عمل کنند.

۴- امر به معروف و نهی از منکر با آن همه آثار و برکات و روایات فراوانی که پیرامون آن مطرح شده و از سویی دیگر دارای پشتوانه عقلی و فطرتی محکمی می‌باشد، مورد بی‌مهری بسیاری از مسلمانان قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که بیشتر از هر واجب دیگری ترک می‌شود. این امر می‌تواند دلایل متفاوتی مانند عدم نهادینه شدن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، عدم حمایت مردمی از آمران و ناهیان، توجیهات بی‌اساس (که مثلاً مصداق آن ضرب المثل عامیانه عیسی به دین خود، موسی به دین خود است)، روحیه سازش‌کاری، بی‌اثر دانستن امر

به معروف و نهی از منکر، داشتن تصورات غلط از امر به معروف و نهی از منکر و ترس‌های بی‌مورد داشته باشد. در مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست موضوع امر به معروف و نهی از منکر به عنوان مکانیزم نظارت همگانی در اصلاح جامعه و همچنین نقش مؤثر این راهکار می‌تواند اثرات نویدبخشی را در کنترل دولت با نظارت مردم و همچنین نظارت حاکم بر مردم ایفا نماید. در واقع یکی از اثرات مهم این فریضه، امنیت بخشی به فرد و جامعه می‌باشد. بنابراین بر سیاست‌گذاران امور دینی و فرهنگی و سایر نهادهای مرتبط واجب است که امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه اسلامی نهادینه کنند.

۵- دست اندرکاران و مجریان دستگاه‌های اجرایی مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست با مقوله نقش دین در مدیریت غریب هستند و شاید بتوان گفت که در حوزه مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست، دستگاه‌های اجرایی ذینفع تاکنون حتی کمترین بهره‌ای هم از نقش دین و آموزه‌های دینی نبرده‌اند. در نتیجه در برنامه‌های مدیریت منابع طبیعی و حفظ محیط زیست باید به نقش کلیدی دین در اجرای برنامه‌ها دقت شود. از طرفی دیگر عالمان و مبلغان دین هم با مقوله مدیریت منابع طبیعی و حفظ محیط زیست به لحاظ تخصصی کمتر آشنا می‌باشند. پیشنهاد می‌شود که مجامع و گردهمایی‌های متعدد با حضور عالمان دینی (بعنوان مبلغان اصلی نقش اخلاق و دین در مدیریت منابع طبیعی) و اندیشمندان و صاحب نظران برگزار گردد تا این عالمان هر چه بیشتر با مقوله مدیریت و حفظ منابع طبیعی آشنا شده و بتوانند اقدامات موثرتر و فعال‌تری جهت تبلیغ انجام دهند. از این رو برنامه ریزی‌های اخلاقی و فرهنگی و دینی که جنبه اجرایی جهت حفاظت از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست داشته باشند، باید در اولویت برنامه‌های ترویجی مجریان و ادارات دست اندرکار برای آبخیزنشینان قرار گیرند.

۶- آموزش‌های ترویجی برای آبخیزنشینان بعنوان ذینفعان و بهره برداران اصلی حوزه‌های آبخیز، در اولویت برنامه‌های ادارات و دستگاه‌های اجرایی کشور نمی‌باشد. آموزش خود یک هدف نیست بلکه ابزاری کلیدی برای فراهم آوردن تغییر در دانش‌ها، ارزش‌ها، رفتار و به طور کلی شیوه زندگی است تا بر اساس آن جوامع بتوانند به پایداری در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و اکولوژیکی و سیاسی دست یابند. وضع قوانین و طرح جامع مدیریت حوزه‌های آبخیز

کشور، برنامه‌های کلان و عمومی زمانی مفید خواهند بود که پشتکار و ضمانت اجرایی داشته باشند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ایران در ابتدای مسیر آموزش مدیریت زیست محیطی و منابع طبیعی قرار دارد، گرچه اقدامات محدود ولی مؤثر در این حوزه صورت گرفته است، لزوم برنامه‌ریزی دقیق و آموزش از پایه برای کودکان و تدوین واحدهای درسی در سطح وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جهت امر آموزش لازم و ضروری است. در سطح عمومی، برای آبخیزنشینان باید متناسب با سن و موقعیت اجتماعی‌شان این آموزش‌ها تنظیم شده تا از آن بهره‌مند گردند. در نتیجه اگر برنامه‌ریزی برای این امر صورت پذیرفته و ارائه آموزش‌های ترویجی و فرهنگی بصورت قانون فرادستی و اجباری برای تمام ذینفعان مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز لحاظ شود، می‌تواند زمینه و بستر فرهنگی بسیار مناسبی برای پذیرش و همکاری مردم و بکارگیری آموزه‌های دینی در حمایت از طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی باشد.

۷- نقش رسانه در مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز نقش کلیدی و اساسی است. بنظر می‌رسد که در کشور ما مشکل آموزش اساسی‌ترین مشکل در مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست است. در این بین استفاده از تمام ظرفیت‌ها برای آموزش تا حدود بسیار زیادی می‌تواند به موفقیت برنامه‌های مدیریت حوزه‌های آبخیز و محیط زیست کمک نماید. بی‌تردید شناخت دقیق ماهیت رسانه‌ها و بررسی توانمندی‌ها و کارکردهای مثبت آنها، سهم فزاینده‌ای در توسعه دانش، فرهنگ، مهارت‌ها و نگرش‌های فردی و اجتماعی بشر دارند. در زمینه مدیریت منابع طبیعی و حفظ محیط زیست، در کشور ما متأسفانه رسانه نقش خود را به خوبی ارائه نکرده است. برنامه‌های آموزشی استفاده بهینه از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست و اصلاح الگوی مصرف از طریق رسانه‌ها برای همه مردم اعم از کودکان و بزرگسالان، مدیران و مسئولان اجرایی و دولتمردان، ضروری است. از آنجا که در کشورهای در حال توسعه، وضع آموزش و پرورش، اطلاعات عمومی و اجتماعی و دانش زیست محیطی و به‌طورکلی فرهنگ جامعه، رشد لازم و پویایی کافی را حاصل نکرده و از آنجا که با روش‌های معمول و متعارف نیز نمی‌توان سطح بینش و فرهنگ توده عظیمی از مردم را به سرعت ارتقاء بخشید، توصیه

می‌شود که این کشورها به یک سیستم پویای رسانه‌های گروهی و جمعی مجهز شوند. دولت باید طریقه استفاده درست از این منابع را در طرح آموزشی خود مورد توجه قرار داده و ضمانت اجرایی برای مدیریت جامع منابع طبیعی و محیط زیست و نقش دین و آموزه‌های دینی در آن را نهادینه و اجرایی کند.

۸- از آنجایی که در طرح‌های مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست، اثرات مثبت آنها بیشتر در دراز مدت نمایان می‌شوند، در جلب مشارکت آبخیزنشینان بعنوان ذینفعان اصلی حوزه‌های آبخیز، می‌تواند تاثیرگذار باشد. از نظر مردم عادی که درگیر مسایل معیشتی هم هستند، طرح‌هایی که بازده سریع و قابل لمس داشته باشند، با پذیرش بیشتری مواجه هستند. لذا در برنامه‌های اصلاحی و احیایی باید سعی شود که حتی الامکان از اقدامات و برنامه‌هایی استفاده شود که قابل لمس بوده و عواید آن برای اهالی و عموم مشخص‌تر بوده و قابل درک باشند.

۹- گاهی تعصب علمی بعضی از متخصصان و سازمان‌های مرتبط با مدیریت حوزه‌های آبخیز و حفاظت از محیط زیست، می‌تواند مانع به کارگیری دانش و تجربه‌های بومی در امر مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز شود. بهره‌گیری از خرد تجربه‌گرای بهره‌برداران محلی می‌تواند در راستای اجرایی شدن توسعه پایدار به متخصصان علمی و دستگاه‌های اجرایی در این زمینه کمک اساسی نماید. چرا که دانش و تخصص نوین در صورت عدم پذیرش توسط آبخیزنشینان با شکست مواجه می‌شود. در این راستا باید به تمام جنبه‌ها و مشوق‌هایی که منجر به تقویت و تثبیت مشارکت می‌شوند، از جمله ظرفیت آموزه‌های دینی و فرهنگی، توجه شده و اهتمام جدی صورت گیرد. از طرفی دیگر متاسفانه موضع‌گیری برخی از اندیشمندان حوزه‌های علوم طبیعی و مختص کردن دین به امور آخرت باعث عدم رغبت جهت استفاده از این ظرفیت مهم می‌شود. در نتیجه لازم است که برنامه‌ها و همایش‌های تبادل نظر و تعامل بین بخش علمی و سازمان‌های اجرایی با عالمان دینی و نیز بهره‌برداران بعنوان ذینفعان اصلی بیشتر شده تا طراحی الگوی ایرانی- اسلامی مدیریت جامع آبخیزها برای نیل به توسعه پایدار اجرایی شود.



## ۷. نتیجه گیری

با توجه به مبنای کلیدی اسلام که آخرت است، تمام اعمال به خود انسان باز می‌گردد و او نسبت به تمامی اعمالی که مرتکب شده، بازخواست می‌شود. او مجبور به حمایت از دستاوردهای حال برای آیندگان است. آخرت‌شناسی نیرویی برای اجرای صحیح اعمال است. تفکر قضاوت در مورد اعمال، او را از انجام برخی اعمال و خودپرستی و خودخواهی دور نگه می‌دارد. نقش انسان، سروری او و مسئولیت او در برابر امانت، در ادیان الهی به صراحت آمده و این تصمیم اوست که در این راه حرکت کند. انسان در جریان نقش خود در نظام کلی خلقت و شناخت سرشت انسانی خویش در عالم خلقت مفهوم پیدا می‌کند. براساس بررسی‌های انجام شده، احکام علمی حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست در اسلام، دارای دو بعد فردی و حکومتی است که در بعد اول هر فرد از جامعه اسلامی، در برابر منابع طبیعی و محیط زیست مسئول است؛ که شعاع آن چون جنبه‌ی فردی دارد، محدود به توانایی فرد است. در بعد دوم، حفاظت از منابع طبیعی جنبه‌ی اجتماعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع است و بر اساس آن آحاد مختلف مردم به صورت شرعی به انجام وظیفه خویش در قبال منابع طبیعی مکلف هستند. با توجه به روندی که هم اکنون وجود دارد، آینده منابع طبیعی مبهم و نابسامانی را در پیش‌روی ترسیم می‌کند. زیرا سرعت تخریب آنها با سرعت اقداماتی که به‌منظور احیاء و حفظ این منابع انجام می‌شود، قابل مقایسه نیست. بدیهی است اگر کارهای اساسی برای اصلاح روند کنونی استفاده از منابع طبیعی صورت نپذیرد، در آینده نزدیک دچار مشکلات جدی شده و در نهایت، به توسعه پایدار که هدف غایی است، نخواهیم رسید. هر کار اصلاح‌گرایانه یا مفسدانه که مرتکب می‌شویم، بازگشت آن به خود ماست. پس باید هر چه زودتر نگاهی به اعمال خود انداخته و در صدد رفع کارهای ناشایست خود برآییم و بر کارهای مفیدمان بیفزاییم. زیرا طبق آیات و روایات و آنچه تشریح گردید، خلقت این جهان بیهوده و باطل و از سر لهو و لعب نبوده و بلکه بر اساس هدف بزرگی انجام گرفته است. در این صورت انسان باید ارتباط خود را با خالق خود و دیگر مخلوقات جهان اعم از انسان، حیوانات و طبیعت روشن کند و یک ارتباط اصلاح‌گرایانه در پیش بگیرد. با توجه به اینکه اخلاق قابل تغییر است، انسانهایی که تا بحال عادت به اعمال مخربانه

داشته‌اند، می‌بایست از این کارها خودداری نموده و از زاویه غضب به منابع طبیعی ننگرند. هدف اصلی علم اخلاق، تزکیه نفوس و تربیت انسان هاست. کمال عملی انسان از کمال اخلاقی او ناشی می‌شود. با وجود برنامه‌های اخلاقی و تربیتی که در آموزه‌های پیامبران و کتاب‌های آسمانی است، پی می‌بریم که اخلاق قابلیت این را دارد که تغییر کند. پس با ایجاد یک برنامه صحیح تربیتی در حفظ منابع طبیعی کوشا باشیم و با تغییر اخلاق مفسدانه به مصلحانه برکت خداوند هم بر ما نازل خواهد شد. بنابراین بر متصدیان امور فرهنگی است تا در جهت ترویج فرهنگ اسلامی که مهمترین نقش را در حفاظت از محیط زیست و مبارزه با مفسدان و تباه کنندگان طبیعت دارد، سرمایه‌گذاری کنند (حسینی و عمیق، ۱۳۸۵). انسانی که در چهارچوب شریعت دینی زندگی می‌کند، خداوند را مالک حقیقی خود و جهان می‌داند، پس نمی‌تواند بی‌مهابا به تخریب و آلوده‌سازی طبیعت که آفریده خداوند است دست بزند چرا که خود را هم جزئی از آن می‌داند. با این حال پیشنهاد بر این است که برای مدیریت منابع طبیعی و بهره‌برداری بهینه و کمک به از بین بردن بحران‌های زیست محیطی لازم نیست یکسان‌سازی در ادیان صورت پذیرد که این امر نه تنها ناشدنی است بلکه ضرورتی نیز ندارد. راه حل سودمند و موثر این است که با بسیج جهانی، آموزه‌های ارزشمند را در عرصه اخلاق زمین در دیدگاه‌ها و ادیان گوناگون شناسایی و جمع‌آوری نموده و با ارائه و عرضه آن در مجامع جهانی، مقدمات آموزش و رشد و ارتقای جامعه بشری را در این زمینه فراهم آورد. همچنین هشدارهای لازم در مورد تخریب منابع طبیعی و کاهش تنوع زیستی توسط روحانیون، استادان، ائمه جمعه و جماعات و و مجریان و مدیران و ریش سفیدان و .... در مناسبت‌های گوناگون و در مکان‌هایی نظیر مساجد در بالا بردن آگاهی عمومی نقش بسزایی دارد. آموزش‌های دینی زیست محیطی و حفظ منابع طبیعی باید در سراسر دوره زندگی همراه مردم باشد. بنابراین ایجاد کلاس‌های مناسب در مکان‌های تجمع مردم مثل مساجد، پارک‌ها و مراسم مذهبی، به جهت آموزش این مسائل با توجه به آیات قرآنی و تفسیرهای موجود می‌تواند در روشن ساختن اهمیت و ضرورت بهسازی منابع طبیعی موثر باشد. این آموزه‌ها باید بتوانند ضمانت اجرایی و اجباری داشته باشند تا نتایج دلخواه و مورد انتظار را برآورده نمایند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، (۱۳۷۹). ترجمه فاضل‌خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران: اساطیر.
۳. اکبری راد، طیبه (۱۳۹۲). «نقش تعالیم اسلام در کاهش بحران‌های زیست محیطی»، مجله محیط شناسی، سال سی و نهم، شماره ۱، فصل بهار، صفحه ۷۳-۸۰.
۴. امین‌زاده، بهناز (۱۳۸۱). «جهان بینی دینی و محیط زیست، درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت»، فصل‌نامه محیط شناسی، سال بیست و هشتم، شماره ۳۰، صفحه ۹۷-۱۰۶.
۵. انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۱۴ قمری). «فرائدالاصول (رسائل)»، صفحه ۱۷۲ به بعد.
۶. بخاری جعفی، ابن عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره بن بردزیه (۲۶۶ قمری) «صحیح بخاری»، جلد ۳، صفحه ۶۶.
۷. بلوچیان طرفی، مریم (۱۳۹۴). «حفاظت محیط زیست از دیدگاه اخلاقی، فقهی و حقوقی» بنیاد پژوهش‌های اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی.
۸. بیرری، توماس (۱۳۸۵). «محیط‌زیست: عصر اکوزوئیک»، مجله سیاهت غرب، مرکز پژوهش‌های اسلامی، فروردین، شماره ۳۳، صفحه ۱۴۱-۱۵۳.
۹. تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۶). «حقوق کیفری محیط زیست»، صفحه ۳۵-۳۶.
۱۰. ثنائی، آرزو (۱۳۸۲). «تورات و طبیعت»، نشریه افق بینا، سال سوم، شماره ۱۳، فروردین، صفحه ۳۹.
۱۱. جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۲). «عوامل اصلی در فرآیند توسعه پایدار: مردم، منابع، فضاها و نقش مشارکت مردمی در آن»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۲، صفحه ۱۰۳-۱۳۰.
۱۲. حرعاملی، شیخ محمد بن حسن (۱۰۸۲ قمری). «وسائل الشیعه»، جلد ۱۳، صفحه ۱۹۳.
۱۳. حسینی، فضل الله و عمیق، محسن (۱۳۸۵). «اخلاق زیست محیطی در اسلام»، تهران: مشعر، صفحه ۳۸-۳۹.

۱۴. داودی، حمید و کاظمی، رحیم (۱۳۸۹). «ارزیابی توان اکولوژیکی به منظور توسعه پایدار»، مجله مهندسی و مدیریت آبخیز، دوره ۲، شماره ۱، صفحه ۳۵-۴۳.
۱۵. دورکیم، دیوید امیل (۱۳۸۲). «صور ابتدایی حیات مذهبی»، ترجمه نادر سالارزاده امیری و خدامراد فولادی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۶۳۴ صفحه.
۱۶. سعدالدین، امیر، شهابی، معصومه و بای، محبوبه (۱۳۹۶). ارزیابی و مدیریت جامع آبخیزها: اصول و رویکردهای مدل‌سازی و تصمیم‌گیری، گرگان، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، چاپ اول.
۱۷. شمسایی، مازیار، مهرجو؛ مسعود و بخشی پور، امیدرضا (۱۳۸۶). «نقش مشارکت در مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز»، چهارمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، [https://www.civilica.com/Paper-WATERSHED04-WATERSHED04\\_093.html](https://www.civilica.com/Paper-WATERSHED04-WATERSHED04_093.html)
۱۸. شیخ حرعاملی (۱۰۸۲ قمری). «وسائل الشیعه»، جلد ۱۲، صفحه ۱۸.
۱۹. شیخ صدوق، (۳۰۵-۳۸۱ قمری). «علل الشرایع»، جلد ۱، صفحه ۱۰۱.
۲۰. طباطبایی حکیم، سید حسن (۱۳۴۷ قمری). «مستمسک العروه الوثقی»، جلد ۱۳، صفحه ۴۸.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۵۳۶ قمری). «تفسیر مجمع البیان»، جلد ۱۰، صفحه ۵۲۶.
۲۲. علامه مجلسی، مولی محمد باقر بن محمد تقی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ هجری قمری). «بحارالانوار»، جلد ۲، صفحه ۲۷۱.
۲۳. فراهانی، سعید (۱۳۸۴). «توسعه پایدار بر محوریت عدالت»، نشریه اقتصاد اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، صفحه ۹۱-۱۲۲.
۲۴. فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی (۱۳۸۸). «ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکرد فلسفی تا راهبردهای حقوقی)»، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه قم، سال یازدهم، شماره اول، صفحه ۱۹۷-۲۱۶.
۲۵. فیروزی، محمدعلی و سجادیان، مهیار (۱۳۹۵). «دیده مانی قیاسی بر نگرش‌های کلان غربی

- و اسلامی در حوزه رابطه انسان و محیط زیست به منظور بهره‌گیری در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۶ صفحه.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب ( ۳۲۹ قمری). «اصول کافی»، جلد ۲، صفحه ۳۳۱.
۲۷. گیر، آر.ن ای (۱۳۸۰)، «پسامدرنیسم و بحران زیست‌محیطی»، ترجمه عرفان‌نابتی، تهران: چشمه.
۲۸. لاویان، النا ( ۱۳۸۰). «عشق سبز، موسی (ع) و محیط زیست»، تهران: همایش بین‌المللی محیط زیست، دین و فرهنگ، صفحه ۱۴۵ و ۱۴۴.
۲۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ قمری). «بحار الانوار»، بیروت: دار احیاء التراث العربی. جلد ۶، صفحه ۱۱۳.
۳۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ قمری). «بحار الانوار»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، جلد ۶۸، صفحه ۳۸۲.
۳۱. محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۳). «قواعد فقه»، تهران: چاپ اول، انتشارات علوم اسلامی، ۱۳۳-۱۶۸.
۳۲. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۳). «طبیعت و محیط زیست از نظر اسلام»، نامه فرهنگ، سال چهارم، شماره اول، بهار: ۷۹، صفحه ۷۸-۸۹.
۳۳. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۲). «قواعد فقه»، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران: جلد ۱۰.
۳۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). «میزان الحکمه»، جلد ۱، صفحه ۵۸۲.
۳۵. مسلم بن حجاج نیشابوری، (۲۰۶ - ۲۶۱ هجری). «صحیح مسلم»، کتاب الایمان، باب شعب الایمان، (۱/ ۶۳)، رقم: (۳۵)، واللفظ لمسلم.
۳۶. مصفایی، جمال و طالبی، علی (۱۳۹۳). «نگاهی آماری به وضعیت فرسایش آبی در ایران»، مجله ترویج و توسعه آبخیزداری، سال دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۳.
۳۷. مصفایی، جمال و نیک کامی، داود و صالح پور، امین (۱۳۹۸). «آبخیزداری در ایران:

- تاریخچه، تکامل و نیازهای آتی»، نشریه علمی-پژوهشی مهندسی و مدیریت آبخیز، جلد ۱۱، شماره ۲، صفحه ۲۸۳-۳۰۰.
۳۸. نبوی، عبدالحسین و شهریار، مرضیه (۱۳۹۳). «دین، اخلاق و محیط زیست»، فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۲۹، تابستان، صفحه ۶۹-۸۴.
۳۹. نجفی، محمد حسن (۱۳۲۷ قمری). «جواهرالاکلام»، جلد ۳۷، صفحه ۴۶.
۴۰. نجفی، محمد حسن (۱۳۲۷ قمری). «جواهرالاکلام»، دارالتراث العربی، جلد ۲۴، صفحه ۱۳۸.
۴۱. نوری نشاط، سعید (۱۳۸۸). «مقدمه‌ای بر اصول و روش‌های توانمندسازی محلی»، تهران: انتشارات برگ زیتون.
۴۲. وهاب زاده، عبدالحسین (۱۳۸۱). «بوم‌شناسی عصر عصیانگر»، مجموعه مقالات کلاسیک در بوم‌شناسی، تهران: چشمه.
43. Tucker, M. E., and Grim, J (1998), Religions of the world and ecology, Earth Ethics, No.1.
44. White, Lyne (1967), "The historical roots of our ecological crisis", Science, vol.155, March, pp 1203-1207.
45. Yang, G.S, X.P. Yu, H.P, Li and J.F. Gao (2006) Introduction to integrated watershed management. Science Press, Beijing, 238 pages.